

# ۸ مارس، روز جهانی

## زن را گرامی

### بداریم!

#### آرش کمانگر

۹۲ سال پیش در چنین روزهایی، خانم «کلارا زتکین» یکی از برجسته ترین زنان مبارز و سوسیالیست آلمان و اروپا، پیشنهاد نمود که به پاس مبارزات قهرمانانه زنان کارگر صنایع نساجی نیویورک در هشتم مارس ۱۸۷۵ - که با سرکوب خشن پلیس آمریکا مواجه شد - همه ساله این روز، تحت عنوان روز بین المللی زنان، جشن گرفته شود. این پیشنهاد با استقبال کنگره نمایندگان زنان زحمتکش جهان مواجه شد. از آن زمان تاکنون میلیون ها زن و مرد آزاده و برابری خواه، علیرغم مقاومت دولت های ارتجاعی و فرهنگ عقب مانده و مردسالارانه حاکم بر بسیاری از کشورها، هشتم مارس را با برپایی راهپیمایی، میتینگ، سخنرانی، جشن و فعالیت های هنری و فرهنگی، گرامی می دارند و با سر دادن شعار آزادی و برابری، به مصاف ارتجاع، آپارتاید جنسی، مردسالاری و پدر سالاری می شتابند. در سایه همین مبارزات یکصدساله بود که زنان بسیاری از کشورها توانستند با به عقب نشینی وادار کردن نظامات ستمگر و سنت های پوسیده فرهنگی و مذهبی، به بسیاری از مطالبات حقه خود دست یابند و ستم و تبعیض جنسی (سکسیزم) را به چالش بطلبند.

اگرچه این مبارزه هنوز به دلیل تداوم تبعیضات و نابرابری جنسی - در جهان و از جمله در پیشرفته ترین کشورهای صنعتی تداوم دارد، اما اکنون که به گذشته نگاه می کنیم می بینیم که چه دستاوردهای بزرگی نصیب جنبش بین المللی زنان شده است؛ دستاوردهایی که تصور آن در چند ده سال پیش به یک رویای شیرین شبیه بود. با این همه و علیرغم این پیشرفت ها، زنان کشورمان پیروزه با روی کار آمدن جمهوری اسلامی حتی از بسیاری از حقوق ابتدایی که در اکثر کشورهای جهان به یک «نرم» مبدل شده، محروم بوده اند.

در کشور ما ۲۳ سال است رژیم منحطی حکومت می کند که یکی از شاخص های مهم آن حراست از کمتری زنان و اعمال آپارتاید جنسی در تمام عرصه های جامعه می باشد. این رژیم با کشتار و شکنجه هزاران زندانی سیاسی زن، با سنگسار و تعزیر زنانی که تابوهای جنسی رژیم و مذهب حاکم را به زیر سوال برده بودند، با کاهش سن ازدواج دختران و نیز ترویج تعدد زوجات برای مردان، با توسعه فحش های شرعی از طریق رواج صیغه و ازدواج موقت، با به فلاکت کشیدن مطلق هزاران زن و ناگزیر کردن آنها به تن فروشی (که سبب تبدیل ایران به بزرگ ترین بازار سکس خاورمیانه شده است)، با محروم کردن زنان از بسیاری از مشاغل، رشته های تحصیلی، هنری و ورزشی، با سلب کامل آزادی پوشش از زنان و تحمیل حجاب قرون وسطایی بر آنها، با دست بردن در قوانین مدنی و حمایت از خانواده و «اصلاح» آنها به نفع مردان، با اعمال تبعیضات گوناگون و قانونمند کردن آنها در عرصه هایی چون دستمزد، ارث، طلاق، سرپرستی کودک و غیره اعلام نموده که می خواهد رسماً نیمی از جمعیت کشور یعنی زنان را به پستوی خانه و مهمتر از آن به دالان های تاریک بربریت ۱۴۰۰ سال پیش بازگرداند. غافل از اینکه میلیون ها زن ایرانی علیرغم تحمل برخی عقب نشینی ها و محرومیت ها، آگاه تر از آنند که به رژیم اسلامی اجازه دهند به طور کامل به نیت قرون وسطایی خود دست یابد.

به همین خاطر بود که یک ماه پس از روی کار آمدن جمهوری اسلامی، همزمان با برگزاری اولین مراسم علنی و وسیع زنان به مناسبت ۸ مارس یعنی در ۱۷ اسفند ۵۷ - ده ها هزار تن از زنان مبارز تهرانی - پیروزه پرستاران و دانشجویان - دست به راهپیمایی زدند و با شعار «نه شرقیه، نه غربیه، حقوق زن جهانیه!» به مصاف ارتجاع تازه به قدرت رسیده و چماقداران حزب اللهی شتافتند که با شعار «یا روسری یا توسری» نخستین گام های خود را برای به قهقرا بردن زنان بر می داشتند. آن حرکت با شکوه به دلیل توهم توده ای حاکم بر جامعه و نیز غفلت فاجعه بار اپوزیسیون مدعی ترقیخواهی، نتوانست گسترش پیدا کند. به همین خاطر طی سال های آتی رژیم توانست زنان و جنبش پراکنده آنها را در بسیاری از عرصه های زندگی به عقب براند و احکام شرعی و زن ستیزانه خود را بر جامعه حاکم کند. با این همه، میلیون ها تن از دختران و زنان ایرانی با برپایی اشکال دیگری از مبارزه نظیر: مقاومت منفی و نافرمانی مدنی، موانع بیشمار بر سر راه پیشروی رژیم ایجاد نمودند. در مصاف با این مقاومت سراسری بود که جمهوری اسلامی ارگان ویژه ای برای سرکوب زنان و جوانان «خاطی» به نام «امر به معروف و نهی از منکر» ایجاد نمود تا در هر کوچه و برزنی با اذیت و آزار زنان، اسیدپاشی و تیغ کشی علیه زنان بدحجاب، حبس و جریمه و تعزیر (شلاق زدن) عشاق و کلا کسانی که احکام پوسیده رژیم را زیر پا می گذاشتند به خیال خام خود آنها را به اعماق تاریک تاریخ پرتاب کند. اما اکنون که ۲۳ سال از این «جهاد مقدس» علیه زنان می گذرد، خود مقامات رژیم اعتراف دارند که شکست خورده اند و نه تنها «امت» سر به راه و مومن و مطیع از زنان، پدید نیاورده اند، بلکه آنها را در دستیابی به حقوق حقه خود و برپایی و گسترش یک جنبش فمینیستی هزاران بار مصرتر کرده اند. به طوری که با قاطعیت می توان گفت که در قیاس با دو دهه پیش، آگاهی های «زن ورانه» (فمینیستی) در جامعه و به چالش طلبیدن مفاهیم و نرم های «سکسیستی» و زن ستیزانه، خصوصاً در میان نسل

جدید دختران شهری رشد خارق العاده ای پیدا نموده است. افزایش سن ازدواج، افزایش اعتماد به نفس زنان در طلاق از همسران زورگو و در نتیجه رشد تصاعدی آمار طلاق، ضرورت مشارکت مردان در خانه داری و بچه داری و کلا ضرورت تساوی زن و مرد در تمامی شئون جامعه، علاقه به تحصیل و اشتغال، برخورداری از حق انتخاب همسر و از جمله آشنایی‌ها و عشق پیش از ازدواج، شیوع تدریجی درک صحیح و ترقیخواهانه از پدیده «زنان تن‌فروش» و «دختران فراری» و ضرورت برخورد انسانی و غیر خصمانه با آنها و مسایلی از این دست، همگی جلوه‌هایی از این رنسانس فکری و فمینیستی را به معرض نمایش می‌گذارند. در کنار این تلاش‌ها، البته تحولاتی نیز در زمینه تشکل‌یابی مستقل زنان صورت می‌گیرد که از آن میان می‌توان به برگزاری مستقلانه مراسم ۸ مارس در تهران اشاره نمود که سال گذشته با شرکت بیش از هزار نفر در سالنی برگزار گردید که در نوع خود بعد از سال ۶۰ سابقه نداشته و دهن کجی آشکاری به روز کنایه زن جمهوری اسلامی قلمداد می‌شود.

زنان روشن‌فکر و آزادیخواه همچنین در برخی از کارزارهای مهم اجتماعی نظیر: نهادهای مربوط به حمایت و حفاظت از محیط زیست، نهادهای فرهنگی و هنری و نیز در «انجمن حمایت از حقوق کودکان» نقش مهمی ایفا می‌کند. ضمن اینکه در زمینه اصلاح برخی قوانین رژیم و تحمیل احتمالی برخی عقب‌نشینی‌ها بر آن، حقوقدانان و فعالین زن نقش قابل توجهی دارند. مجموعه این فشارها سبب شده که حتی نمایندگان مونث مجلس شورای اسلامی نیز علی‌رغم اینکه نقدی جدی بر مناسبات مردسالارانه موجود ندارند، اعتراضات و انتقاداتی را مطرح کنند. اما خاتمی در جریان معرفی کابینه جدیدش، حتی حاضر نشد به عنوان یک اقدام ظاهری و سمبلیک هم که شده، درخواست‌های مکرر برخی نمایندگان مجلس، برای تعیین سه وزیر زن را بپذیرد و این خود نشان داد که هر دو جناح رژیم در تداوم ستم‌کشی زنان منافع حیاتی دارند و مسایل مربوط به حقوق زن، جزو آخرین سنگرهایی خواهد بود که به زور ناگزیر از ترک آن شوند.

از این رو برای هزارمین بار اثبات شده که آزادی، دموکراسی و برابری در ایران، بدون آزادی زن و آزادی زن در کشورمان بدون پایان دادن به جمهوری اسلامی و نظام مردسالارانه مورد حراست آن، امکان پذیر نیست. این درس گرانبها را اکنون زنان ستم‌دیده کشورمان بیشتر از هر قشر دیگری، با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند. پس بیایید همزمان با مراسم روز جهانی زن در هرکجا که هستیم و در هر حدی که می‌توانیم، نفرت خود را از همه اشکال تبعیض جنسی به معرض نمایش گذاریم و همچون زنان پیشرو تهرانی در اسفند ۵۷ جهانشمولی حقوق زن را فریاد زنیم و با صدایی رسا اعلام کنیم: جامعه ای که در آن زن آزاد نیست، نمی‌تواند آزاد باشد!

اسفند ۸۰